

ماکسیم گورکی

مادر

ترجمہ محمد قاضی

پیشگفتار

آثار نخستین ماکسیم گورکی، از همان آغاز منعکس کننده روابط جدید مبتنی بر زوری بودند که از پایان قرن اخیر با گسترش سریع سرمایه‌داری در جامعه روسی پا می‌گرفت. بی‌شک گورکی در آغاز فقط قلباً سوسیالیست بود، لیکن ستایش از بی‌توجهی به منافع شخصی، از سخا و جوانمردی، از غرور و شرافت انسانی و از قهرمانی‌های فردی به نفع تمامی جامعه، در نخستین داستان‌های او مانند «چلکاش»^۱ و «عجوزه ایزرگیل»^۲ و «سرود شاهین» و غیره، بیانگر رشد و شکوفایی یک احساس انقلابی در او بودند؛ و حتی برخی از آثار وی مانند «مقلد» (۱۸۹۶) از دل‌بستگی نویسنده به نخستین تجلیات شعور کارگری حکایت می‌کنند.

اگر در رمان «توماس گرده‌نیف»^۳ (۱۸۹۹) مسایل سوسیالیسم توسط قهرمان آن، ایژوف^۴ روزنامه‌نگار، هنوز جز به صورت آموزشی تجزیه و تحلیل نشده‌اند، در عوض، پیدایش شعور سوسیالیستی در یک محیط کارگری یکی از موضوع‌های اساسی رمان بعدی او تحت عنوان «سه سرنوشت» است که در ۱۹۰۰ به رشته تحریر در آمده است. سال بعد، نیل^۵، قهرمان نمایش‌نامه خرده‌بورژواها (۱۹۰۲) نمونه پخته کارگر با شعوری است که هرچند کم در صحنه ظاهر می‌شود لیکن با وجود چشمگیر خود بر سراسر «درام» فرمانروا است. در واقع از همان سال ۱۹۰۲ است که، بنا به گفته خود گورکی، طرح رمانی به نام «مادر» ریخته می‌شود.

در سال ۱۹۰۲ که گورکی در نیژنی نوگورود ساکن بوده با سازمان‌های

1. Tchelkach.

2. La Vieille Izerguil.

3. Thomas Gordeiev.

4. Iéjov.

5. Nil.

سوسیالیستی محلی تماس نزدیک داشته است. به یاد داریم که تأسیس حزب P.O.S.D. (حزب کارگری سوسیال دموکرات روسیه) در کنگره^۱ «مینسک» در ۱۸۹۸، هنوز به رسمیت خود باقی بود و خود حزب عملاً پس از گشایش کنگره دوم متشکل در ۱۹۰۳ در لندن، تأسیس یافت؛ لیکن کمیته‌ای از حزب نامبرده از تابستان ۱۹۰۱ در نیژنی نوگورود تشکیل شده بود. خاطرات به جا مانده از معاصران نشان می‌دهد که گورکی کمک‌های مالی به انقلابیون می‌کرده و برای آنان «پناهگاه» و «صندوق نامه» فراهم می‌آورده و با اندرزهای خود و قلم خود به ایشان یاری می‌داده است. گزارش‌های پلیس مهارت او را در «توأم کردن اقدامات قانونی با فعالیت‌های زیرزمینی می‌ستایند، به شیوه‌ای که او هر اقدام قانونی را تبدیل به یک عمل انقلابی می‌کند». بازداشت او در ماه مارس ۱۹۰۱ در ارتباط با تظاهرات دانشجویان سن پترزبورگ بهانه‌ای برای تظاهرات پرشور کارگران و دانشجویان نیژنی نوگورود شد. گورکی پس از شش هفته ماندن در زندان چنان بیمار شد که خون قی می‌کرد و اجازه یافت به کریمه برود تا در آنجا به معالجه و مراقبت از خود پردازد؛ و از آنجا تا ماه اکتبر ۱۹۰۲ به نیژنی نوگورود باز نگشت، و از همین رو نتوانست در تظاهرات کارگری اول ماه سال شرکت کند.

در آن تظاهرات، جوانی به نام پیوتر زالومف^۲ که عضو کمیته حزبی متشکل در سال پیش بود در رأس دسته تظاهر کنندگان با پرچم سرخ حرکت می‌کرد. این جوان که بازداشت و به زودی محاکمه و محکوم شد بعدها الگوی پاول ولاسف^۳ قهرمان کتاب مادر گردید.

گورکی در آن تاریخ، بی‌آنکه شخصاً زالومف را شناخته باشد از زمره کسانی بود که می‌کوشیدند از بار رنج و مشقت او در زندان بکاهند، و بعداً نیز جزو کسانی شد که موجبات فرار او را از سیبری فراهم می‌دیدند. او فقط سه سال بعد موفق به دیدن زالومف شد، و آن وقتی بود که زالومف وجودش غیرقانونی اعلام شده و تحت پیگرد پلیس بود، و خود گورکی نیز برای نقشی که در تظاهرات ژانویه ۱۹۰۵ داشت بازداشت و در زندان تاریک «پی‌روپل» در بند

1. Minsk.

2. Pierre Zalomov.

3. Pavl Vlassov.

بود. سپس، بر اثر فشار افکار عمومی جهان آزاد شد ولی در ریگا^۱ زیر نظر پلیس به سر می‌برد. گورکی از آنجا گریخت و به فنلاند نزد دوست نقاشش رپین^۲ در کوووکالا^۳ رفت، و از آن ایستگاه کوچک مرزی که تقریباً جزو حومه سن پترزبورگ به شمار می‌رفت تماس خود را با سازمان‌های انقلابی، به ویژه با حزب سوسیالیست انقلابی و حزب کارگری سوسیال دموکرات حفظ کرد. از همانجا است که از راه آلمان به ایالات متحد آمریکا رفت، در سراسر آمریکا به گشت تبلیغاتی به نفع نهضت انقلابی پرداخت و برای تأمین هزینه‌های گسترش آن اعانه گرد آورد. از کارهای تبلیغاتی او می‌توان در دو تنامه‌های نوشته به زبان‌های آلمانی و انگلیسی و فرانسه، منتشر در سال‌های ۱۹۰۵ و ۱۹۰۶ در روزنامه‌های سوسیالیست اروپای غربی و نیز در نامه خود گورکی به آناتول فرانس در نکوهش وامخواهی‌های روسیه از فرانسه، و به ویژه در یک نوشته هجایی خود او تحت عنوان «فرانسۀ زیبا» که مشاجرات قلمی شدیدی را در کشور فرانسه برانگیخت رد پای یافت.

در ایالات متحد آمریکا نیز با دشمنی‌های شدیدی رو به رو بود که در آن‌ها پوریتانیسم (قشریگری) با فکر نفرت از طبقات درهم می‌آمیخت و چنان ابعادی پیدا کرده بود که او را پی در پی از همه هتل‌ها بیرون می‌راندند، چنانکه ناچار شد به‌خانه دوستان سیاسی خود پناه ببرد. گورکی در نوشته‌های هجایی خویش تحت عنوان «در آمریکا»، «چارلی ماکس» و «مصاحبه‌های من» داغ ننگ بر پیشانی بورژوازی آمریکا زده است.

در همین زمان است که او کتاب مادر را می‌نویسد. در ژوئیه ۱۹۰۶ به نوشتن آن شروع می‌کند و در آغاز ماه دسامبر به پایان می‌رساند. (در این فاصله سفری هم در ماه اکتبر به ایتالیا می‌کند). کوتاه بودن زمان نگارش ایجاب می‌کرده است که کار بی‌وقفه ادامه داشته باشد، چنانکه متن اصلی آن از نظر اهمیت تصحیحات ناگزیر پنج بار ماشین شد. در پایان ماه دسامبر چاپ رمان به زبان انگلیسی در پاورقی یکی از روزنامه‌های نیویورک و سپس به زبان آلمانی در «وارورتنس»^۴ آغاز شد و از سال بعد، ترجمه‌های متعددی از آن به زبان‌های عمده

1. Riga.

2. Répine.

3. Kovokkala.

4. Vorwärts.

دنیا، از جمله فرانسه، از روی نسخه دست‌نوشته‌ای که خود گورکی در کاپری^۱ در هفته‌های آخر سال ۱۹۰۶ تهیه کرده بود، انتشار یافت. بعدها خود گورکی بارها، از جمله دو بار در ۱۹۰۷ و سپس در ۱۹۱۳ و سرانجام در ۱۹۲۲، در آن نسخه دست‌برده، و متن اخیر که تفاوت‌های آشکاری با متن‌های پیشین، از نظر انشاء و خصوصیات شخصیت‌ها و حتی سبک نوشته دارد همین است که بعداً باز به فرانسه ترجمه شده است، و اینجانب ترجمه فارسی حاضر را از روی آن انجام داده‌ام.

گورکی در این دست‌برده‌ها تنها به این بسنده نکرده است که رویدادهایی را از کتاب حذف کند و یا بر آن بیفزاید، بلکه بعضی از صحنه‌های مهم کتاب را بازسازی کرده است، از جمله صحنه محاکمه پاول، که در آنجا از نقش وکلای مدافع کاسته و در عوض، دو دنیای متضاد، یعنی دنیای کارگران و دنیای دادرسان ایشان را به طرزی چشمگیر در برابر هم قرار داده و به گفته‌های پاول در دفاع از خود مفهوم انقلابی عمیق‌تری بخشیده است. شخصیت‌های کتاب را نیز دیگروگون کرده، از جمله خصیصه‌هایی را که ممکن بود چهره جوان یک قهرمان بلشویک را تضعیف کند از او گرفته است - مانند بعضی بی‌اعتمادی‌ها به نیروی خود، برخی رقت قلب‌های ساده‌دلانه نسبت به مادرش - گورکی کوشیده است که پاول را در عین حال هم کامل‌تر کند و هم طبیعی‌تر، و عشق نهانی او به ساندرین قیافه ساده‌تر و انسانی‌تری به او داده است. در چهره مادر نیز دیگروگونی‌های عمیقی پیدا شده و گورکی او را جوان‌تر کرده است، چنان که در این نسخه مادر، زنی است چهل ساله، هنوز قرص و قایم و پرتوان و گشاده‌روی و حساس، از تعصب مذهبی کاسته شده و رقت قلب ناشی از احساسات «اومانیسیم» در او تبدیل به عشق به ستمدیدگان و نفرت از ستمکاران شده، ایمان کورکورانه به مفاهیم حق و عدالت در او جای خود را به کینه و تحقیر نسبت به نظم حاکم بر دورانش داده و زبانش سادگی و شور بیشتری یافته است، چنانکه استقلال رأی و راسخ بودنش را در قضاوت نشان می‌دهد. کسی که تغییر عمیق‌تری پیدا کرده «آندره» است. این کهنه انقلابی بسیار مهربان که قبلاً نقشی چون نقش استاد و معلم پاول داشت به مقام دوم نزول می‌کند - مثلاً با ضعف سیاسی که در برابر آنارشیسیم دهقانان از خود نشان می‌دهد و جنبه فوق‌العاده

احساساتی بشردوستی را محسوس می‌نماید قدرت فکر و شخصیت رسماً انقلابی پاول را بیشتر آشکار می‌سازد.

لیکن این تصحیحات هرچه هم عمقی باشند تغییری در ماهیت اصلی کتاب نداده‌اند، برعکس، با پیراستن آن اثر را عمیق‌تر کرده و مؤید همان قصد و هدفی شده‌اند که در تألیف و تدوین آن نقش اساسی داشته است.

در واقع نظر گورکی در ۱۹۰۶ تنها نقل واقعه‌ای از مبارزات انقلابی در نیژنی نوگورود در ۱۹۰۲ نبوده، هرچند با غنی کردن شخصیت قهرمانان خود به وسیله خصوصیات که از مبارزان دیگر گرفته چنین امری را متبادر به ذهن می‌نماید. با این وصف، این خود یکی از جنبه‌های بسیار مهم این رمان است که سهم تخیل در آن بسیار کم است و رمان‌نویس در تدوین آن از خیال‌پردازی و صحنه‌سازی گریزان بوده و صرفاً به رویدادهایی که خود تماشاگر آن بوده و یا به مقتضای تجربه‌های انقلابی خویش از آن‌ها آگاهی داشته تکیه کرده است. لیکن اصلی سیاسی در این میان مطرح است که در انتخابی که گورکی کرده دخیل بوده است و ما اینک می‌کوشیم که به توضیح آن بپردازیم.

از ۱۹۰۲ که گورکی طرح این داستان را ریخت تا ۱۹۰۶ که آن را روی کاغذ آورد خیلی چیزها دیگروگون شده و نهضت کارگری پختگی پیدا کرده بود. در آن فاصله لنین حزب را تشکیل داده و با اکونومیست‌ها که قصد داشتند مبارزات کارگری را در چارچوب مسایل اقتصادی محدود نگاه دارند بیرحمانه جنگیده و برتکیه‌گاه آنان که اوپورتونیسیم باشد خط بطلان کشیده بود. او از حزب سازمانی پدید آورده بود که می‌توانست در مبارزه برضد استبداد در رأس انقلاب دموکراتیک قرار بگیرد. این مسایل نمی‌توانست از نظر نویسنده‌ای چون گورکی دور بماند، خاصه که در این چهار سال مبارزه عده‌ای کارگر نخبه انقلابی، از نوعی جدید، در لوای مدیریت لنین پخته شده بودند و گورکی قهرمانان مادر را از میان همان کارگران نخبه انقلابی برگزیده است تا در اثر خود نشانشان بدهد. او تجربه سیاسی سال‌های انقلاب را در کتاب خود آورده و قهرمانانش عظمت و حقیقت خود را که حقیقت تاریخ است به همین شعور سیاسی که پیدا کرده‌اند مدیونند.

و برای همین است که ترکیب رمان برپایه تحریکی نهاده نشده است که مقدرات شخصی قهرمانان را به هم گره بزند و یا از مقدرات شخصی آنان گره‌گشایی کند، بلکه مبتنی برگسترش روابط طبقاتی است که مقدرات شخصی